نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال نوزدهم، شماره ۵۴، پاییز ۹۸

تبیین ژئوپلیتیک عملکرد وزارت خارجه در مناسبات قدرت ایران با دول خارجی (۱۲۰۰- ۱۲۲۶ه.ش)

دریافت مقاله: ۹۶/۱۱/۲۴ **پذیرش نهایی:** ۹۷/۴/۳۰

صفحات: ۱۸۳-۱۶۷

امین جیران: دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.[۱]
Email: amin.shirvan@gmail.com
فواد پورآرین: دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
Email: por721@yahoo.com

چکیده

دولت قاجار در ایران برآمده از شرایط ژئوپلیتیکی توسعه‌طلبی دولت‌های اروپایی از جمله روسیه، انگلیس و فرانسه در منطقه خاورمیانه بود. از طرفی موقعیت ژئوپلیتیک ایران در مسائل و منافع منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ، موجب اهمیت و توجه دوچندان به دربار ایران شد و این توجه و اهمیت ژئوپلیتیکی، زمینهٔ روابط خارجی ایران با ابرقدرت‌های وقت را به دنبال داشت. بر این پایه دولت ایران جهت ارتباط با دول قدرتمند وزارتخانه‌ای تشکیل داد که مسئولیت رسیدگی به امور خارجی را بر عهده بگیرد. بدین‌ترتیب، واکاوی عملکرد وزارت خارجه در مناسبات سیاسی ایران با دول خارجه بین سال‌های (۱۲۰۰-۱۲۲۶ .ش) که نشانگر شرایط و جایگاه ژئوپلیتیک ایران در آن دوران در منطقه و محیط بین‌الملل است، می‌تواند برای تاریخ‌نگاران و ژئوپلیتیسین‌ها راهگشا باشد. در این راستا، این پژوهش به شیوه توصیفی- تحلیلی تبیین و داده‌ها و اطلاعات آن مبتنی بر اسناد، نسخ خطی و منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است. نتایج پژوهش گویای آن است که وزیر خارجه در این برههٔ تاریخی به‌عنوان تجلی وزارت خارجه ضمن واقف نبودن به موقعیت ژئوپلیتیک ایران در منطقه و نظم بین‌الملل، در امور سطحی وظایف خود وارد شده است و به‌واسطه نفوذ دیگر ارکان قدرت در تصمیم‌گیری‌های کلان خارجی عملاً نقش آن تشریفاتی با اختیارات اندک تقلیل می‌یابد. اما هر چند وزارت خارجه نتوانست مستقل از دیگر ارکان قدرت تصمیم بگیرد ولی سفرایی در این دوره بودند که به‌واسطه درک موقعیت ژئوپلیتیک ایران و شرایط جهانی که می‌توانستند ضعف دیپلماسی دستگاه قاجاری را مخفی و خلاءهای دستگاه سیاست خارجی ایران را پرکنند.

کلید واژگان: وزارت خارجه، ژئوپلیتیک، قاجار، فتحعلی‌شاه، محمدشاه، دول خارجی

۱- نویسنده مسئول: تهران، مفتح جنوبی، دانشگاه خوارزمی ، گروه تاریخ ۰۹۱۵۱۸۸۹۰۱۴

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.13.3]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.167]

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.13.3]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.167]

مقدمه

با گذر از دوران افشاریه و زندیه و تأسیس حکومت مرکزی قاجار توسط آقا محمدخان، به واسطه تحولات ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی عصر جدیدی در مناسبات خارجی ایران آغاز شد. ظهور سلسلهٔ قاجار مقارن با نظم ژئوپلیتیک تسلط انگلستان بر هند به عنوان یک مستعمره، قدرت‌یابی ناپلئون در فرانسه و ورود دولت روسیه در صحنه سیاست ایران بود. این شرایط ژئوپلیتیک آنچنان حساس بود که ایران را خواه و ناخواه در این سیاستها و روابط داخل کرد؛ به گونه‌ای که سرنوشت این کشور به سیاستهای دولتهای بزرگ و روابط آنان وابسته گشت. همچنین موقعیت ژئوپلیتیک و جغرافیایی خاص ایران در مسائل و منافع منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ، موجب اهمیت و توجه به دربار ایران شد و این توجه، رفت و آمد سفرا و نمایندگان سیاسی را به دنبال داشت. بر این اساس، فتحعلی‌شاه برای کنترل روابط خارجی، وزارتخانه‌ای به نام «وزارت امور خارجه» در جهت رسیدگی به امور مربوط به دول خارجی تأسیس کرد. هر چند همچنان شاه و صدراعظم به جای ارگان اصلی سیاست خارجی یعنی وزارت دول خارجه، در رأس امور بودند، اما گامی در جهت شکل‌گیری سازمانی که مسئولیت امور دیپلماتیک با کشورهای دیگر را بر عهده بگیرد، برداشته شد. بنابراین پژوهش حاضر درصدد است، با توجه به شرایط ژئوپلیتیک آن زمان نقش وزارت امور خارجه در مناسبات ایران با دول خارجی را در دوره فتحعلی‌شاه و محمد شاه قاجار مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. لازم به ذکر است در مورد نقش وزارت خارجه در مناسبات سیاسی دول خارجی عهد قاجار، پژوهش مستقلی که به طور کامل به دیپلماسی وزارت دول خارجه و کارکردهای آن در این مناسبات پرداخته باشد، وجود ندارد. علاوه بر این پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه بیشتر به زمینه‌های شکل‌گیری وزارت خارجه، ساختار اداری و چگونگی تشکیل سفارتخانه‌ها پرداخته‌اند و پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه تا جایی که اطلاع داریم به صورت گذرا و پراکنده می‌باشد.

از این‌رو، این پژوهش با طرح این پرسش، ضمن غنابخشیدن ادبیات حوزه مورد بحث به‌دنبال تشریح و تبیین عملکرد دستگاه سیاست خارجی ایران در زمان فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار با توجه به موقعیت و شرایط ژئوپلیتیک ایران و جهان است تا از این طریق بتواند دریچه‌ای برای پژوهشگران تاریخ و روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک باز نماید.

مفاهیم و چارچوب نظری

ژئوپلیتیک

با نگاهی به عمر کوتاه دانش ژئوپلیتیک می‌توان دریافت در یک دوره‌ای ژئوپلیتیک از یک‌سو منشا تغییر و تحولات جهانی بوده و در یک دوره‌ای جهت‌دهنده به مسایل سیاست جهانی بوده است. ژئوپلیتیک با این دو کارویژه همواره در خدمت و جهت کسب منافع و قدرت بوده است. بر پایه دایره‌المعارف بریتانیکا، ژئوپلیتیک، تجزیه و تحلیل تاثیرات جغرافیایی بر روابط قدرت در روابط بین‌الملل است (Encyclopædia Britannica Online, 2010). در حالی‌که فرهنگ لغت لانگمن معاصر انگلیس، ژئوپلیتیک را به‌عنوان مطالعه تاثیر موقعیت، جمعیت و غیره کشور بر روی سیاست‌های آن تعریف می‌کند (Longman: 433). ژئوپلیتیک متعارف دانشگاهی رابطه جغرافیا با سیاست بین‌الملل است و جزیی‌تر می‌توان گفت ژئوپلیتیک رابطه بین

محیط طبیعی (موقعیت، منابع، قلمرو و غیره) و هدایت سیاست خارجی است (Sprout and Sprout,1960). محمدحسن گنجی پدر جغرافیای نوین ایران، در یادداشتی ضمن تایید تعریف هاوس هوفر ژئوپلیتسین آلمانی، از ژئوپلیتیک بیان می‌دارد که «ژئوپلیتیک هنر استفاده از دانش جغرافیا در حمایت و هدایت سیاست دولت‌ها است» (گنجی، ۱۳۸۱، تقریظ). سائول برنارد کوهن ژئوپلیتیسین امریکایی، در تعریف ژئوپلیتیک می‌نویسد: «جوهر تجزیه و تحلیل‌های ژئوپلیتیک، رابطه میان قدرت‌های بین‌المللی نسبت به تنظیمات ژئوپلیتیک می‌باشند» (Cohen, 1993: 24). پیتر تیلور بنیانگذار فصلنامه جغرافیای سیاسی، می‌گوید: «ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان، به‌ویژه رقابت بین قدرت‌های بزرگ و اصلی» (Taylor, 1994: 330). در این راستا ژیرارد اوتایل و جان اگنیو مطالعه ژئوپلیتیک را مطالعه فضاسازی سیاست بین‌الملل به‌وسیله هسته قدرت و هژمون دولت‌ها می‌دانند (O Tuathil and Agnew, 1992: 192). برادن و شلی ژئوپلیتیک را «تمرکز چشم‌انداز جغرافیایی بر روابط بین‌الملل می‌دانند و در واقع ژئوپولیتیک مطالعه روابط و کشمکش‌های بین‌المللی از دیدگاه جغرافیا است» (برادن و شلی، ۱۳۸۳: ۱۵). به‌همین خاطر ژئوپلیتیک در این نگاه می‌تواند منبع و راهنمای خوبی برای سیاست خارجی کشورها باشد و خلا ناشی از آن نمی‌تواند کارایی سیاست خارجی را در پی داشته باشد. و در واقع اصالت سیاست خارجی کشورها بر همپوشانی آن در ژئوپلیتیک یک کشور در محیط بین‌الملل و نظام ژئوپلیتیک جهانی است.

روش تحقیق

این پژوهش با توجه ماهیت موضوعی‌اش به شیوه توصیفی- تحلیلی تبیین و داده‌ها و اطلاعات آن مبتنی بر منابع دست اول مانند اسناد، نسخ خطی و منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در این مقاله با تشریح عملکرد وزارت امور خاجه در دوره‌های فتحعلی شاه و محمد شاه پرداخته می‌شود و تا از طریق آن بتوان به یک شناخت ژئوپلیتیکی در مورد سیاست خارجی ایران با دول قدرتمند نائل آمد.

یافته‌ها و بحث پژوهش

شکل‌گیری وزارت امور خارجه

با تأسیس سلسلهٔ صفویه بار دیگر حکومتی مرکزی در ایران پا گرفت که در عرصه مناسبات خارجی همپایهٔ دول غربی بود بسیاری از اصول تشریفات سیاسی ایران و همچنین گسترش روابط با غرب بر اثر چالش با عثمانی در این دوره شکل گرفت. دورهٔ انتقال افشاریه و زندیه با تسلط انگلیس بر هند و دیگری تثبیت پایه‌های روسیه در قفقاز قابل شناسایی است. تفوق این دو کشور انگلیس و روسیه بر مناطق شمالی و جنوبی ایران اصلی ترین عوامل ایجاد مناسبات جدید سیاسی در دورهٔ قاجاریه محسوب می‌گردد.

پایه‌های اساسی روابط بین الملل پس از به جود آمدن پدیدهٔ دولت- ملت‌ها در اروپا و بعد از قرارداد وستفالی[۲] (۱۶۴۸م) ریخته شد. در ایران دوره صفوی نیز که معاصر همین دوران است با گسترش روابط خارجی و ارتباط

۲ . Vestphalia.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.13.3]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.167]

با کشورهای اروپایی–که از دوره ایلخانان آغاز شده بود- به منظور در امان ماندن از حملات و دسیسه‌های دو همسایه قدرتمند عثمانی و ازبکان، حجم مناسبات خارجی فزونی یافت و حکومت صفویه در ارتباط با غرب و سفرای آن آدابی به رسم احترام و مهمان نوازی انجام می‌داد. شرایط و بافت دینی و سنتی جامعه عصر صفوی مانع از آن شد که چرخشی در آداب دیپلماتیک و زمینه‌ای جهت تأسیس تشکیلاتی منسجم پدید آید تا تشریفات موجود را در قالب سازمانی منظم سامان دهد. امور دیپلماتیک این دوره را رأس هرم حکومت یعنی شاه و سپس صدراعظم وی هدایت می کردند. آداب دیپلماتیک با وجود تحول همچنان سنتی و فاقد تشکیلات منظم و اداری بود.(خسروی زاده، ۱۳۹۰: ۳۲). در دوره صفویه(۱۱۳۵- ۹۰۶ه.ق) نهادی اداری، ویژه مناسبات خارجی وجود نداشت. فرایند تصمیم گیری در مناسبات خارجی ایران با قدرتهای بیگانه تنها پیام رسان و توضیح دهندهٔ در دست شاه و صدراعظم بود. در مواردی که اعزام فرستاده ضرورت داشت، همواره شاه خود سفیر ویژه‌ای منصوب می کرد. این سفیر حامل رهنمودهای روشنی برای دستیابی به آنچه ضرورت داشت، بود. چنین فرستاده‌ای تام الاختیار نبود، بلکه تنها پاسخگو بود. شاه سفرای خارجی را که به دربار صفوی بار می یافتند، به حضور می پذیرفت(فلور، ۱۳۸۴: ۹۰- ۹۱). این وضعیت در سلسله‌های پس از صفویه که ترتیبات اداری آنها در واقع ادامه همان سنت دیوانی صفویه بود، تغییری نیافت. در دولت افشاریه تنها یک مرجع مقتدر نادرشاه وجود داشت؛ برخی از افسران او همچون میرزا تقی شیرازی، اگر چه قدرت بیشتری نسبت به دیگران داشتند، اما در تحلیل نهایی همه تصمیمات را شخص شاه می گرفت. این وضعیت در دوره زندیه نیز تغییر نیافت. کریم خان به همراه صدراعظم خود هر ارتباط دیپلماتیک را برقرار و هدایت می‌نمود.(لاکهارت، ۲۷۲، پری، ۲۴۶- ۲۷۱)

تشکیل وزارتی که وظیفه انجام امور مربوط به سفرا و فرستادگان خارجی را بر عهده داشته باشد، برای اولین بار در دوره فتحعلی شاه شکل گرفت. وی وظیفه اداره این امور را در سمت منشی الممالک گنجانده و میرزا رضا قلی نوایی را به زعامت منشی الممالکی در ۱۲۲۴ه.ق منصوب کرد، اما هیچ گاه عنوان وزارت نداشت.(ساروی، ۱۳۷۱: ۱۹۸) اولین باری که از وزیر خارجه بحث به میان می آید و منابع بدان اشاره می کنند، پیش از شروع جنگهای دوم ایران و روس بود. پیش از این، در دوره‌های صفویه، افشاریه، زندیه و اوایل قاجاریه یکی از خواص درگاه سلطنت، مأمور پذیرایی مأمورین موقتی و یا دائمی دول اروپا به نام « وزیر غرباء» و به نام دیگر مأموریت داشت. در ابتدا، میرزا ابوالحسن خان عنوان «امور غربا» را بر وزارت خارجه اطلاق کرد؛ این عنوان در دوره قائم مقام به «مهام خارجه» و در دوره میرزا تقی خان امیرکبیر به « وزارت مهام دول خارجه» و « امور خارجه» تغییر یافت.(خسروی زاده، کمالی، ۱۳۹۲: ۴۳)

در آغاز دوره محمد شاه، صدارت عظمی به میرزا ابوالقاسم قائم مقام رسید و چون ابوالحسن خان با قائم مقام رابطه خوبی نداشت و در زمان نزاع های جانشینی، جانب یک شورشی را گرفته بود؛ به این سبب از امور اداری عزل و به بقعه شیخ عبدالعظیم پناه برد و تا زمانی که میرزا آقاسی بر سر کار آمد و به وی تأمین جانی داد، در آن مکان باقی ماند. میرزا ابوالقاسم قائم مقام علاوه بر صدارت، وظایف مربوط به وزارت خارجه را نیز توأمان انجام می داد. با قتل قائم مقام و صدارت آقاسی، وزارت دول خارجه به میرزا مسعود گرمرودی رسید. در دوره میرزا مسعود، مناسبات خارجی هر چند نسبت به دوره های پیش گسترش یافت، اما همچنان وزارت خارجه

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.13.3]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.167]

نتوانسته بود جایگاهش را به عنوان تنظیم کننده روابط خارجی پیدا کند؛ البته وی نیز نتوانست در وزارت خارجه نوآوری ایجاد کند.(همانجا)

به دنبال درگذشت محمد شاه، مناقشاتی در پایتخت درگرفت.(سپهر، ۱۳۳۷؛ ۳/ ۵؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹: ۱۸۰) در همان ابتدای سلطنت ناصرالدین شاه، امر انتظام کل امور لشکری و کشوری در حیطه اختیارات امیرکبیر قرار داده شد. میرزا تقی خان امیرکبیر، که سابقه سفارت و آشنایی با دول خارجه را در دوره محمد شاه تجربه کرده بود، تحولی در وزارت دول خارجه به وجود آورد. وزارت خارجه در دوره های قبل در وجود وزیر خلاصه می شد، به همین خاطر نظمی در چینش اسناد و مدارک مربوط به دول دیگر در ارتباط با ایران دیده نمی‌شد. به هنگام صدارت امیرکبیر و زعامت وی بر وزارت دول خارجه، شاهد شکل گیری وزارت خارجه در قالب یک سازمان و تشکیلات منظم هستیم و ایران در این دوره، در مسیر نیل به تشکیل ساختار جدید وزارت خارجه قرار می گیرد. سفرا، مصلحت گذاران و کنسولان ایران، با دستورهای کتبی به مأموریت می رفتند و مسئولیت داشتند که گزارش‌هایی از محل سفارت خود به وزارتخانه ارسال کنند و درباره جزئیات امور، از مرکز دستور بگیرند.(آدمیت، ۱۳۶۰: ۲۱۰؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۹: ۲۴۲)

در کار سیاست خارجی، امیر دو منشی داشت. وی در تلاش برای انسجام امور خارجه، هئیتی از مترجمان زبان-های خارجی به وجود آورد و به تربیت مترجم همت گمارد.(آدمیت، ۱۳۶۰: ۲۱۰) از جمله اقدامات دیگر تعیین کارگزاری برای هر یک از ایالت‌های ایران و مأمور کردن سفرا و جنرال کنسول‌ها از ایران با پرچم پادشاهی ایران به کشورهای خارجی بود.(ریاضی هروی، ۱۳۷۲: ۳۶) بدین ترتیب انسجام بر دستگاه دیپلماسی حاکم شد. ضرورت وجود کارگزارانی که امور نمایندگان خارجی را سرو سامان بدهند، در اواخر دوره محمدشاه، به شدت احساس شد؛ این قضیه را می‌توان از فرستادن میرزا جعفر خان مشیرالدوله، سفیر کاردان و ماهر در اصول دیپلماتیک به عنوان کارگزار، همراه ولیعهد ناصرالدین میرزا به آذربایجان دریافت.(سپهر، ۱۳۳۷: ۲/ ۲۰۲) این مسئله تا جایی اهمیت دارد که با آمدن ناصرالدین شاه جهت جلوس بر تخت سلطنت در تهران، مشیرالدوله همچنان مأمور سر و سامان دادن بر امور مربوط به دول خارجی در تبریز ماند.(همان، ۳/ ۲۵) دوران صدرات امیرکبیر چندان نپایید. وی محمد علی خان شیرازی را که نایب اول وزارت خارجه بود، به سمت وزیری وزارت خارجه انتخاب کرد و به صحه‌ی شاه رساند.(خورموجی، ۱۳۶۳: ۱/ ۴۱) پس از مرگ وی وزارت خارجه در دستان صدراعظم جدید، میرزا آقاخان نوری، قرار گرفت.

بعد از کشته شدن امیرکبیر، میرزا آقاخان نوری به وزارت رسید. در این دوره میرزا سعید خان موتمن الملک که به تازگی به دبیری مهام خارجه[۳] رسیده و لقب «خانی» دریافت کرده بود، همکار و کمک یار صدر اعظم جدید شد.(سعادت نوری، ۱۳۴۴: ۱۰۰- ۱۰۵؛ روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۱/ ش ۱- ۱۳۰، نمره ۵۶، ۳۰۱-۳۰۲؛ روزنامه شرف، بی تا: ش ۱- ۸۷، نمره ۶، ۲۰). در ۱۲۶۸ق، میرزا سعید خان پس از مدتی « دبیری مهام خارجه» با لقب «جناب» به منصب وزارت دول خارجه رسید.(اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۶: ۲/ ۱۱۴۸) او توانست به مدت طولانی در این سمت باقی بماند. در زمان صدارت آقاخان نوری، انتظام و تعدیل امور دول خارجه از وظایف صدراعظم بود و وزیر خارجه ارتباط تنگاتنگی با صدراعظم داشت.(سپهر، ۱۳۳۷: ۳/ ۱۸۴) پس از عزل

۳.به نوعی قائم مقام وزارت خارجه را گویند.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.13.3]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.167]

اعتمادالدوله از مقام صدارت، ناصرالدین شاه چند وزارتخانه جدید تشکیل داد؛ تعداد وزارتخانه ها در ابتدا شش و سپس به نه و دوازده وزارتخانه افزایش یافت. وظایف و کارکرد هر وزارت با وزیر مربوط بود؛ وزیر نیز به طور مستقیم از شاه دستور می گرفت و تحت نظارت وی، امور وزارتخانه را پیش می برد. زمان فترت منصب صدارت با انتخاب میرزا محمد خان قاجار در ۱۲۸۱ق، به این سمت به پایان رسید. در ۱۲۸۶ق، شاه وظایف وزرا و تکالیف آنها را مشخص کرد و تأکید کرد که هر یک از وزرا محلی را در خانه خود جهت رسیدگی به امور مربوط به وظیفه‌اش تعبیه کرده و در آنجا مشغول خدمت شود، همه این وزرا عضو دارالشورای کبری دولتی نیز بودند.(بیانی، ۱۳۷۵: ۳/ ۵۷)

تأسیس اداره های روس، انگلیس، عثمانی و اداره دفتر وزارت و دفتر ثبت و ضبط و ترجمه، ماحصل اولین دوره وزارت میرزا سعید خان هستند.(صفی نیا، ۱۳۲۸: ۶۱) پس از وی میرزا حسین خان بانی اداره تحریرات خاصه برای وزارت خارجه شد؛ در این دوره است که روند انتظام امور خارجه، که از زمان امیرکبیر شروع شده بود، به ثمر می نشیند و وزارت امور خارجه تشکیلات جدید می‌یابد و این آغاز مدرن سازی و تحول در سیستم دیپلماسی قاجاری است. از برنامه‌های دوره دوم وزارت میرزا سعید خان اصلاح اداری وزارت خارجه از حیث تقسیم ادارات و مرتب داشتن اجزای داخلی و ایجاد لباس مخصوص برای اعضای این وزارت بود(شقاقی، ۱۳۶۵: ۵۶). در همین زمان است که اولین نظام نامه وزارت خارجه، که تکالیف و وظایف این وزارتخانه را معین می کرد، نوشته شد.(آدمیت، ۱۳۸۵: ۳/ ۸۰- ۷۸؛ توکلی، ۱۳۲۸: ۵۴- ۵۸).

نظام نامه فوق در ۱۲۹۹ه.ق نوشته شد، اما اقدامات جدی میرزا سعید خان به عنوان وزیر دول خارجه از ۱۲۹۷ه.ق آغاز گردیده بود. همچنان که بیشتر نیز اشاره شد، پس از رسیدن به مقام وزارت خارجه برای دوره دوم، و عزل سپهسالار، میرزا سعید خان نظم و ترتیب شعبه‌های وزارت خارجه را در دستور کار قرار داد. این امر را میرزا سعید خان با کمک میرزا جواد خان سعدالدوله و میرزا مهدی خان شقاقی انجام داد. شقاقی زمان تأسیس واقعی وزارت خارجه را از این زمان می داند.(شقاقی، ۱۳۶۵: ۱۱۵) به جرأت می توان گفت که میرزا مهدی خان گزافه نگفته است، تشکیل وزارت خارجه به معنای جدید از همین دوران آغاز شد؛ زیرا در این زمان بود که وظایف وزارت خارجه مشخص و تعریف صحیح و مکتوب از رتبه وزرا، سفرا و مأمورین خارجی و تکالیف آنها نگاشته شد. به نوعی می‌توان میرزا سعید را پدر وزارت خارجه در ایران لقب داد.(فلور، ۵۴؛ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، تشکیل اداره رسیدگی و تحقیقات، ۱۳- ۱۳۰۱ق، تهران، کارتن ۳- ۱۸- ۲۷، برگ ۸- ۱۰).

بررسی جایگاه دول خارجه در مناسبات سیاسی ایران

در این بخش به بررسی جایگاه انگلستان، روسیه و فرانسه در مناسبات خارجی ایران در دوره مورد بحث پرداخته خواهد شد.

الف) جایگاه انگلستان در روابط خارجی قاجار

گسترش استعمار انگلیس در آسیا و حفظ هندوستان از مهم‌ترین زمینه‌های توجه انگلیس به ایران بود و کشور ایران عامل حیاتی برای دفاع از هند بزرگ‌ترین مستعمرهٔ بریتانیا به شمار می‌رفت.(ناظم، ۱۳۸۰: ۱۲) میرزا

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.13.3]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.167]

ملکم‌خان در رسالهٔ پلتیکای دولتی اذعان می‌کند: « پلتیک[۴] انگلیس در ایران روش غریبی داشته است. مقصود واحد این پلتیک همیشه حفظ هند بوده اما با وصف این وحدت مقصود دولت انگلیس راه‌های مخالف و تدابیر ضد یکدیگر اختیار کرده است». (اصیل، ۱۳۸۱: ۲۷۱) تا قبل از این دوره، مقامات کمپانی هند شرقی در ایران به امور تجاری می‌پرداختند و امور سیاسی بریتانیا را نیز همین مقامات مرتفع می‌کردند اما به طور کلی تا اوایل سده نوزدهم منافع بریتانیا در ایران چندان چشمگیر نبود تا استقرار یک هیئت سیاسی دائمی در آنجا موجه به نظر آید و به تعبیری در آن هنگام ایران کشوری دور افتاده، افسانه‌ای و دور از دسترس، دارای برخی فواید تجاری و با اهمیت سیاسی ناچیز تلقی می‌شد.(رایت، ۱۳۸۳: ۹)

اما با افزایش سلطهٔ انگلیس بر هند شرایط متفاوتی به وجود آمد مقامات انگلیس برای حفظ مستعمرات خویش از دشمنان خارجی و اهمیت سوق‌الجیشی ایران بعنوان دروازهٔ هند باید چاره‌ای می‌اندیشیدند به همین خاطر اولین سفرای خود را روانه دربار ایران کردند. مهدی علی‌خان به دنبال تهدیداتی که از جانب زمان‌شاه حاکم افغانستان هند را به مخاطره میافکند روانه دربار ایران شد و در اواخر ربیع الاول ۱۲۱۴ه.ق /۱۷۹۹م نزد فتحعلی شاه رسید. هدف این سفارت منحرف ساختن زمان شاه از حمله به هندوستان و یاری رساندن به تیپوسلطان حاکم دکن بود(خاوری شیرازی، ۱۳۰۱: ۱/ ۲۸) که با تحریک شاه ایران در لشکرکشی به سوی خراسان حاصل می‌شد. همین زمان حاکم دکن سفرایی به دربار ایران فرستاده بود اما چون در این میانه تیپوسلطان فوت شد، سفرای دکن به شهرهای خود بازگشتند.(دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۲۲- ۱۲۱) با توفیق مهدی علی خان سفرای بعدی بریتانیا به تدریج وارد ایران شدند. اهمیت هندوستان و تهدیداتی که متوجه آن بود در تسریع روابط انگلیس با ایران تأثیر فراوانی داشت.

سرجان مالکوم سفیر بعدی انگلستان در کتاب خود «تاریخ ایران» می‌نویسد:«چون در اوایل جلوس فتحعلی شاه بوی آن می‌رفت که افاغنه به هندوستان بتازند و همچنین اگر ناپلئون پادشاه فرانسه را به این ملک توجهی می‌شد، پادشاه ایران می‌توانست که هم افغانستان را سدی و هم فرانسه را حدی گردد. بنابراین کورنرجنرال هندوستان مصلحت در این دید که عقد مصافات و موالات مابین دولتین انگلیس و ایران مستحکم کند».(مالکوم، ۱۳۶۲: ۴۹۰- ۴۸۹)

سفارت مالکوم نشان دهندهٔ اهمیت ایران به عنوان ورودی مهم هندوستان است. قراردادی که وی با دربار ایران بست در راستای حفظ هندوستان بود و در تمامی بندهای قرارداد، این نکته به وضوح قابل مشاهده است.(خاوری شیرازی، پیشین: ۱۴۳- ۱۴۲) البته از سوی دربار ایران نیز سفرایی به هند در تعامل با سفرای بریتانیا فرستاده شد که حاجی خلیل خان به عنوان اولین سفیر اعزامی به هند در دوره قاجاریه از جملهٔ آنهاست. سفارت وی چندان دوامی نیاورد زیرا طی درگیری‌ای که در محوطهٔ محل اقامت او روی داد جان به در نبرد و با شلیک تیری از پا درآمد هر چند منابع این دوره راجع به قتل حاجی خلیل خان گزارش‌های متعددی بیان می‌کنند.(ر.ک: لسان الملک سپهر، پیشین: ۱/ ۷۵؛ خاوری شیرازی، پیشین: ۱۹۹- ۱۹۶؛ دنبلی، پیشین:

۴. فرهاد میرزا معتمدالدوله، در کتاب «جام جم» راجع به معنای پلتیک می‌نویسد:«پولی‌تیک اموری را گویند که بدول خارجه رجوع داشته باشد و حیله و مراوده دولتی را خوانند چون از این تقسیمات اتفاقیه حالت زمین در ترقی و ازدیاد است از آنجاست که بعضی او را ارتی فیشن جیاگرافی می‌گویند یعنی جغرافیای عملی...».(معتمدالدوله، بی تا: ۲۶)

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.13.3]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.167]

۱۹۵- ۱۹۳) اما این مسأله در نهایت با آمدن گروهی از سوی مقامات انگلیسی هند به سرپرستی مستر منستی بالیوز بصره خاتمه یافت و به جای حاجی خلیل خان، میرزا نبی خان به هندوستان فرستاده شد.

اهمیت ایران در گیرودار سیاست آن زمان هنگامی مشخص می‌گردد که برای اولین بار در تاریخ ایران سفیر کشوری قدرتمند مأمور می‌شود تا از پادشاه ایران، زمینی برای اقامت سفرای آن کشور بگیرد.(رایت، پیشین: ۲۵) البته داشتن روابط رسمی با دول خارجه خواه ناخواه چنین امری را می‌طلبید برای نخستین بار در دورهٔ قاجار، سفیری از سوی ایران به لندن فرستاده شد و روابط شکلی رسمی‌تر و جدی‌تر به خود گرفت. بنابراین دیگر زمانه اجازه قطع روابط و منزوی شدن را در عصر جدید به حکومت‌ها نمی‌داد. روابط بین‌المللی رو به فزونی می‌نهاد و حکومتی که نمی‌توانست خود را با شرایط جدید وفق دهد از عرصهٔ سیاست حذف می‌شد. ابتدای دوران قاجاریه چنین وضعی را داشت بی‌اطلاعی حاکمان قاجاری و مقامات آن از پیشرفت دنیای غرب کاملاً مشهود است.(راستینه، ۱۳۸۶: ۴۵- ۶۷)

میرزا ابوالحسن خان که «ایلچی» لقب گرفت و بعدها به سمت اولین وزیر وزارت دول خارجه ایران منصوب شد، برای نخستین بار به خاطر مشکل ورود همزمان دو سفیر بریتانیا یعنی سرهارفورد جونز که مستقیم از سوی مقامات انگلیس از لندن اعزام، و سرجان مالکوم که از جانب مقامات انگلیسی هندوستان به ایران فرستاده شده بود به لندن اعزام گردید. وی مورد محبت و احترام جورج سوم پادشاه انگلستان قرار گرفت. مقامات انگلیسی ضمن مذاکرات تعهد کردند اولاً کمک سالانه به دولت ایران را مستقیماً از خزانه خود بپردازند، ثانیاً سفارت سرهارد فوردجونز را مورد تأیید قرار دادند و قرار شد منبعد روابط بین دو کشور به طور مستقیم بوده و حکومت انگلیسی هند در آن دخالتی نداشته باشد. پس از اینکه جونز سفارتش تثبیت و مالکوم به هند بازگشت، سرگوراوزلی به جای جونز عازم دربار ایران شد.(هوشنگ مهدوی، ۱۳۹۲: ۲۱۷- ۲۱۹)

ورود این سفیر را به ایران باید نقطه عطفی در تاریخ روابط ایران و انگلستان دانست، حتی صرف فرستاده شدن وی به ایران از سوی مقامات لندن نشان از توجه انگلیسی‌ها به ایران و اهمیت سوق‌الجیشی آن در حفظ هند برای آن‌ها بود. علاوه بر این، سفارت اوزلی نشان از ضرورت ایجاد نمایندگی ثابت در ایران به حساب می‌آید. (رایت، پیشین: ۲۴) اهمیت دیگری که سفارت اوزلی نسبت به دیگر سفرای اعزامی از سوی انگلستان دارد عنوان سفارت وی است. او عنوان سفیر فوق العاده و تام الاختیار دولت انگلیس در دربار ایران را داشت؛ در حالی که جونز هم که از طرف لندن اعزام شده بود چنین عنوانی نداشت. در سالهای بعد نیز سفرایی بین ایران و انگلیس رد و بدل شد که بیشتر نشانگر دخالت انگلیس در ایران و منعقد شدن عهدنامه‌هایی بین این دو را نشان می‌دهد.(معزی، ۱۳۳۶: ۲/ ۴۵- ۷۰؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۹۲: ۲۰۴- ۲۳۸؛ خلیل الله مقدم، ۱۳۹۰: ۷۷- ۱۲۵)

ب) جایگاه فرانسه در روابط خارجی ایران

سرآغاز روابط فرانسه با ایران در دورهٔ قاجار به زمان اولین پادشاه این دودمان، در سال ۱۲۱۱ه.ق (۱۷۹۶م) باز می‌گردد که دو دانشمند فرانسوی به نام‌های برونیر[۵] و اولیویه[۶] به دربار آقا محمدخان بار یافتند.(بینا، ۱۳۳۳:

۵ . Brugniere.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.13.3]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.167]

۳۶) رابرت واتسن نیز در کتابش ورود سفرایی را از جانب فرانسه به دربار ایران تأیید می‌کند اما وی نامی از آن دو نمی‌برد و اهدافشان را چنین بیان می‌کند:

«منظور از این مأموریت از قرار معلوم دو موضوع بود. یکی تحقیق در اینکه استقرار مفید مبادله بازرگانی بین ایران و فرانسه امکان داشته است یا نه، دیگر اینکه او سعی کند ایرانیان و عثمانیان را در اتحادی برضد روس وادار سازد».(واتسن، ۱۳۴۸: ۹۸)

در رابطه با موضوع دومی که مطرح شد واتسن در ادامه می‌افزاید:«صدراعظم ایران از طرف سلطان خود وعده کرد سفیری به قسطنطنیه گسیل دارد».(همان، ۹۹) اما بعداً مشخص شد که حکومت ایران در آن هنگام توانایی چنین کاری را نداشت؛ این ارتباط ارتباط نیافت. در منابع دورهٔ قاجار اشارتی به ورود این دو سفیر نشده و در جایی هم که اشارتی شده است اسم آنها را ذکر نکرده‌اند. اما اکثراً بر این متفقند که چون آقامحمدشاه برای جنگ به تفلیس و گرجستان رفت و با روسیه ضدیت نمود مورد توجه ناپلئون قرار گرفت (دنبلی، پیشین: ۲۵۲) و ناپلئون به وی نامه‌ای نوشت اما آن نامه موقعی به ایران رسید که شاه درگذشته بود و هنوز فتحعلی شاه جلوس نکرده بود به همین خاطر صدر اعظم که حاج ابراهیم خان کلانتر باشد سفرای فرانسه را با جواب سرسری بازگرداند.(خاوری شیرازی، پیشین: ۲۴۶؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۱۳/ ۷۵۶۲) تا اینکه در زمان حکومت فتحعلی شاه میسو ژوبر نامی از طرف ناپلئون به دربار ایران روانه شد و مقدمات دوستی بین ایران و فرانسه را مهیا نمود، سپس محمدرضا قزوینی همراه وی به سفارت فرستاده شد. سفیر ایران که وزیر حاکم قزوین بود از جانب ایران عهدنامه‌ای را با فرانسه منعقد کرد.

آغاز روابط رسمی ایران با فرانسه در دورهٔ فتحعلی شاه با بسته شدن این عهدنامه - که در فین کنشتاین بسته شد - و به تبع آن ورود هیئت نمایندگان فرانسه به سرپرستی ژنرال گاردان مشخص می‌گردد.(امینی، ۱۳۹۰: ۱۳۹- ۱۴۲) ورود این هیئت چنان لرزه بر جان مقامات انگلیسی هند و کارداران روسیه افکند که تا مدتی وحشت از حمله ناپلئون آنها را آسوده نمی‌گذاشت. هدف ناپلئون از اعزام این هیئت نیز همین بود، البته نباید اهمیت ایران را از نگاه ناپلئون نادیده گرفت(kirk, 1949: 72- 74)، ناپلئون در این زمینه به تالیران می-نویسد:

«لابد ملتفت هستید که جلب مساعدت ایران تا چه حد برای من مفید [است]، با فرستادن ۱۵۰۰ نفر به ایران در ماه اکتبر به معیت یک عده صاحب منصب ارشد و صاحب منصبان جزء من می‌توانم نظر روسیه را از اروپا منحرف نمایم بلکه می‌خواهم هیئتی را که از ۱۰،۰۰۰ الی ۱۲،۰۰۰ نفر مرکب باشد با جماعتی از صاحب منصبان به ایران بفرستم تا عده خود را در آن مملکت کامل کنند. گاردان برای فرماندهی این سپاه، بسیار مناسب است، لازم به یادآوری نیست که سه ماه بعد از حضور قشون در ایران دولت انگلیس و روسیه تا چه پایه دچار وحشت و اضطراب خواهند شد».(دوما، ۱۳۶۱: ۳۹)

ارتباط با ایران برای فرانسه تنها وسیله‌ای بود که می‌توانست موارد فوق را حاصل کند به طوری - که چندی بعد از این قرارداد، فرانسه با روسیه روابط دوستی برقرار و معاهده‌ای بین آن دو دولت منعقد شد که در آن نه تنها به مسائل بین ایران و روسیه نپرداخته بودند بلکه حتی نامی از ایران به عنوان متحد فرانسه نیز برده نشده

---

٦ . Oliver.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.13.3]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.167]

بود به همین خاطر روابط با فرانسه در این زمان قطع و سرهارفورد جونز و ملکم از جانب انگلیس به دربار فتحعلی شاه آمدند و سفرای بعدی این کشور بعد از همین ماجرا بود که معاهده‌هایی با ایران در سالهای (۱۲۲۴، ۱۲۲۷ و ۱۲۲۹ه.ق) بستند.

رابطه با فرانسه در این مدت کوتاه همیشه برای شاهان بعدی مایهٔ غبطه و حسرت بوده و همیشه آرزومند بوده‌اند که ارتباط با فرانسه را به دوران ناپلئون بازگردانند چه بسا که در دورهٔ شاه بعدی یعنی محمد شاه غازی برای برون رفت از چنگال دو قدرت روس و انگلیس، به عنوان نیروی سوم می‌خواستند که فرانسه را دوباره وارد جریان قدرت در ایران کنند اما چنین کاری فقط در حد آمد و شد چند سفیر باقی ماند و جامه عمل نپوشید.

ج) جایگاه روسیه در روابط خارجی ایران

عصر ورود روسیه به صحنه سیاست ایران به دوره قاجارها باز می گردد. در زمان آقامحمدشاه بر سر نواحی قفقاز درگیرهایی بین دو حکومت صورت گرفت اما اصل درگیری روسیه با ایران، دوره فتحعلی شاه بود. به طوری که در طی دو دوره جنگی که میان این دو در گرفت ایران صدمات جبران ناپذیری دید. روسیه در این مدت مرحله‌ای را می‌گذراند که بر پایه اصولی نظامی استوار بود و به عبارتی سیاست نفوذ نظامی را در این مقطع تاریخی اجرا می‌کرد تا عهدنامه ترکمنچای این وضعیت ادامه داشت و بعد از این عهدنامه با چرخشی در سیاست خارجی‌اش دوره‌ای دیگر را آغاز کرد که می‌توان از آن با عنوان دورهٔ نفوذ مسالمت آمیز یاد کرد که تا انقلاب مشروطه را در بر می‌گیرد.(افشاریزدی، ۱۳۵۸: ۳۱) میرزا ملکم اعلام‌نامهٔ پلتیک روسیه را اینگونه می‌داند: «خدا آسیا را به من داده است. تسخیر اسلامبول و هند سرنوشت من است. هیچ چیز مرا از تقدیم این سرنوشت باز نخواهد داشت».(اصیل، ۱۳۸۱: ۲۷۳) در مقایسه دو قدرت روس و انگلیس میرزا ملکم‌خان خطر انگلیس را به نسبت روسیه هیچ می‌پندارد.(همان، ۲۷۵)

افزایش قدرت نظامی روسیه و قیمومیت آن کشور بر ولایات قفقاز که تا زمانی طولانی در اختیار حکومت ایران بوده‌اند حاکمیت نوپای قاجاری را وادار به واکنشی در مقابل این تهدید کرد. شروع جنگ اول ایران و روس که از بقایای زمانه شاه اول قاجار بود در این راستا صورت گرفت، این جنگ به مدت ده سال حکومت ایران را به خود مشغول، و پایه و اساس تمامی قراردادهایی بوده که در این دوره، ایران با انگلستان و یا فرانسه منعقد کرده است. در نهایت جنگ با وساطت سرگور اوزلی با قرارداد متارکه‌ای در گلستان و به سال ۱۲۲۸ه.ق به طور موقتی متوقف گردید. به دنبال این قرارداد از جانب دربار ایران میرزا ابوالحسن خان ایلچی برای پاره‌ای از مذاکرات در باب قرارداد و همچنین تخلیهٔ مناطقی از قفقاز که به تصرف روسیه درآمده بود روانهٔ روسیه شد و در سال ۱۲۳۱ه.ق وارد پایتخت آنجا گردید سفارت وی به خاطر اینکه در آن زمان امپراطور روسیه در اوج قدرت بود به سبب شکست ناپلئون و عهدنامهٔ وین (۱۸۱۵م) راه به جایی نبرد، پس به ایران بازگشت.(هوشنگ مهدوی، ۱۳۹۲: ۲۲۷- ۲۲۹) سپهر در ذیل حوادث سال ۱۲۳۳ه.ق نیز به این مسئله اشاره می‌کند که چون سفارت ایلچی به روسیه با ناکامی مواجه شد وی در سال ۱۲۳۳ه.ق سفارت انگلستان یافت و در بین راه نامه‌هایی برای پادشاهان اسلامبول، نمسه (اتریش) و فرانسه با هدایا و ارمغان‌های گران‌مایه برد.(لسان الملک سپهر، ۱۳۳۷: ۱/ ۱۷۷)

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.13.3]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.167]

نارضایتی عمومی از متارکهٔ جنگ و ادعای مزارویچ که از جانب یرملوف سردار گرجستان به ایران آمده بود مبنی بر مالکیت محال بالغ لودکونی و گوگچه دیکنز زمینه برای برافروختن جنگی دیگر را مهیا کرد و چون هنوز حدود طالش بعد از قرارداد گلستان مشخص نشده بود مسئولین ایران مخالفت کردند و میرزا صادق وقایع نگار همراه مازارویچ سفارت تفلیس یافت.(همان، ۱/ ۲۱۱)

جنگ جدید که با عهدنامهٔ ترکمنچای (ر.ک: صورت عهدنامه‌ها و قراردادها، شماره ۱۵۶۹، ۳۳۳۰؛ لسان الملک سپهر، پیشین، ۱/ ۲۴۰۲۳۴؛ هدایت، پیشین، ۱۴/ ۷۸۹) خاتمه یافت، خسارات زیادی بر بدنهٔ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران آن روز وارد آورد که تبعات آن معاهده تا مدت‌ها بر پیکرهٔ حکومت قاجار ماندگار گشت. در این عهدنامه وزیر خارجه در حد ارسال یک سفیر و ایلچی فعالیت نمود و پرونده قابل قبولی از خود نداشت.

دیپلماسی وزارت خارجه در دوره فتحعلی شاه

وزارت خارجه با این‌که به طور اسمی تأسیس شده بود اما در شخصیت یک وزیر و نایب و چند منشی حضور و نویسنده و مترجم خلاصه می‌شد.(مهدوی، ۱۳۷۹: ۲۴۱؛ صفی‌نیا، ۱۳۲۸: ۶۱) چالش با روسیه در طول دو دوره جنگ‌های طولانی مدت، دیپلماسی این دوره را پویاتر کرده و از حالت رکود و خواب آلودگی خارج ساخت. سفرای ایران مدام جا به جا می‌شدند و در حال ارتباط با دیگر کشورهای قدرتمند برای برون رفت از چالش مزبور بودند. اعزام سفرا به دربار انگلیس، فرانسه و روسیه از این دست ارتباطات پولیتیکی به حساب می‌آیند. سیستم حکومتی دورهٔ فتحعلی‌شاه به واسطهٔ وجود عباس میرزا نایب‌السلطنه در تبریز دارای دو پایگاه تصمیم‌گیری در باب سیاست‌های حکومتی بود، ارسال خسرو میرزا از جانب عباس‌میرزا نایب‌السلطنه به روسیه از طرف ایران برای عذرخواهی از بابت قتل گریبایدوف قتلی که حاصل شورش مردمی جلوه داده شد اما توطئه‌ای از جانب الهیارخان آصف و دستیارانش علیه دستگاه عباس‌میرزا نایب‌السلطنه بود.(آدمیت، ۱۳۶۰: ۱۱) در حالی که شاه در مرکز حکومت به دنبال ارسال سفیر و تعیین اعضای همراه بود، نشان از استقلال و قدرت نایب‌السلطنه در تبریز دارد.

با وجود چنین ارکان قدرتی، دستگاه دیپلماسی قاجاری از ۱۲۳۹ه.ق تا درگذشت فتحعلی‌شاه در دستان میرزا ابوالحسن‌خان باقی ماند. در طول یازده سال باقی مانده حکومت فتحعلی شاه میرزا ابوالحسن‌خان ایلچی در سمت وزیر دول خارجه در بسیاری از مناسبات سیاسی با دول خارجی حضور داشت و اگر از نیروهای قدرتمندی که از بیرون بر وزارت خارجه اعمال نفوذ می‌کردند چشم بپوشیم یکه تاز و راس هرم دیپلماسی آن دوران را اسماً وزیر دول خارجه باید دانست. زیرا آن‌چنان که مطلعیم قاجاریه نیز بر سیاق حکومت‌های پیشین حاکم بر ایران مستبد بودند و رأی شاه در تمامی شئونات حکومتی نافذ و تعیین کننده نهایی بود و چون قانون یعنی چارچوبی که تصمیمات را به حدودی محدود و در نتیجه قابل پیش‌بینی کند وجود نداشت قانون همان رأی حکومت یعنی شاه بود که می‌توانست به مقتضای زمان و نیاز تغییر کند.(کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۷؛ آجدانی، ۱۳۸۶: ۹) پس از شاه دیگر مراتب قدرت که شامل صدراعظم و نزدیکان شاه و سپس وزرای دربار و... تصمیم گیرندگان منظومه قدرت بوده‌اند.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.13.3]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.167]

معتمدالدوله نشاط اصفهانی که از جمله اولین شخصیت‌های مهم وزارت خارجه به شمار می‌رفت، در دوره تصدی وزارت خارجه مأمور تلاش برای عادی ساختن روابط ایران و روسیه شد. در آن زمان ایران در حال جنگ اول خود با روسیه بود. معتمدالدوله نشاط که به دلیل ادیب بودن و تسلط بر شعر و شاعری مورد نظر فتحعلی‌شاه بود و غالباً در دربار رفت و آمد داشت حتی در تصمیمات خارجی شاه نیز مورد مشورت او واقع می‌شد. نشاط با صراحت مخالفت خود را با جنگ علیه روسیه اعلام کرده بود و شکست حتمی ایران را به خاطر آشفتگی و ناتوانی قشون ایران پیش‌بینی کرده بود.

از شخصیت‌های منتفذ دیگر وزارت خارجه در این دوره میرزا ابوالحسن خان ایلچی بود. مهم‌ترین حادثه‌ی دوران وزارت ایلچی که اوضاع حکومت را آشفته و زندگی اجتماعی را مختل کرده بود، آغاز دورهٔ دوم جنگ‌های ایران و روس بود که خاتمهٔ آن در ترکمنچای با عهدنامه‌ای که بین دولتین منعقد گردید، پایان یافت. این عهدنامه به لحاظ سیاسی از اهمیت به سزایی برخوردار است. روس‌ها که در دورهٔ دوم جنگ‌ها توانسته بودند سپاه ایران را شکست بدهند شرایط سنگینی را بر دربار قاجاریه تحمیل کردند.(نک: صورت عهدنامه‌ها و قراردادها، شماره ۱۵۶۹، پیشین، ۳۳۳۱) و این عهدنامه تا مدت‌ها اساس روابط ایران و روسیه را تشکیل می‌داد نکته‌ای که در عهدنامهٔ مذکور بسیار مهم است، دیکتهٔ شیوهٔ آداب دیپلماتیک به دربار ایران است. انتظاری که از عنوان وزارت دول خارجه می‌رود آن است که تمامی امور مربوط به اتباع، سفرا و دیگر مأمورین دول خارجه، امور تجارتی و قراردادها در قالب یک دستگاه منظم دیپلماتیکی را بر عهده داشته باشد اما آیا در دوران وزارت میرزا ابوالحسن‌خان چنین انتظار می‌رفت؟ در جواب باید گفته شود که نه؛ ماهیت حکومت قاجاریه به واسطه‌ی عجین شدن با استبداد، استقلال یک وزیر را بر نمی‌تابد در ضمن هنوز ابتدای تأسیس چنین وزارتی در ایران بود و نو پایی آن را نیز می‌توان عامل برآورده نشدن چنین توقعی به شمار آورد، این درحالی است که اروپا بعد از سپری شدن قرن شانزدهم میلادی تا این زمان دول اروپایی به واسطهٔ درگیری های داخلی از استحکام و استقلال قوانین سیاسی برخوردار نبود و این دول هنوز به تصور و خیال شیوه‌های مراودات سیاسی نائل نگشته بودند؛ چون روابط سیاسی و مناسبات پولتیکی دولت‌های اروپایی رو به ترقی و استحکام نهاده بود ضرورت لزوم بصیرت و اطلاع از حال دیگر دول را احساس کرده و به همین لحاظ شروع به ارسال مأمورین موقتی و دائمی نزد یکدیگر نمودند و به تدریج وزارت خارجه به واسطه اهمیتش استقلالی به دست آورد.(تشکیلات وزارت خارجه، نسخه خطی شماره ۱۲۰۸۴، برگ ۴۲) حتی ابتدای این دوره یعنی قاجاریه وزرای خارجه اروپا همچون وزرای انگلیس و فرانسه و روسیه در امور مربوط به پلتیک بین دولتی اختیار تام داشته‌اند.

در ایران عصر فتحعلی شاه، وزیر خارجه به جای اینکه نظارت کلی بر سیستم سیاسی حاکم بر سیاست خارجی داشته باشد خود همه کاره به لحاظ عملی و تقریباً هیچ کاره به لحاظ نظری است. میرزا ابوالحسن‌خان در قرارداد ترکمنچای نقش یک ایلچی را داشت نه وزیر خارجه؛ وی بین شاه و نایب‌السلطنه در حال رفت و آمد بود برای اینکه وجه مصالحه باشد و یا خبری را از دربار به ترکمنچای و یا از ترکمنچای به دربار برساند.(انصاری، ۱۳۴۹: ۸۱) میرزا مسعود انصاری در کتاب خود در خصوص نقش میرزا ابوالحسن‌خان وزیر خارجه در ترکمنچای می‌نویسد:«میرزا ابوالحسن‌خان برای ابلاغ مژده صلح مأمور دارالخلافه گردید».(همان، ۸۹)

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.13.3]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.167]

میرزا ابوالحسن‌خان در سمت ریاست دستگاه دیپلماسی در مقام قیاس، در حد یک کارپرداز عمل می‌کند. مهمانداری سفیر، امضای یک قرارداد، پذیرش و دیالوگ با سفرای خارجی از طرف شاه (واتسن، پیشین، ۲۳۵) اینها همه جزئی از کل وزارت دول خارجه است نه همهٔ وظایف و کارکردهای آن. وزیر خارجه که در این برههٔ تاریخی تجلی وزارت دول خارجه است تنها در امور سطحی وظایف خود وارد شده است و به واسطه نفوذ دیگر ارکان قدرت در تصمیم‌گیری‌های کلان خارجی عملاً نقش وزیر خارجه در حد یک نقش تشریفاتی با اختیارات اندک تقلیل می‌یابد و این روند کمابیش تا دوره‌ی ناصری ادامه دارد؛ از آن زمان است که وزارت خارجه شکل نهاد به خود می‌گیرد و در مناسبات خارجی نقش مهمی ایفا می کند.

دیپلماسی وزارت خارجه در دوره محمد شاه

شیوه به قدرت رسیدن پادشاه جدید که در ایران همواره با آشوب و جنگ قدرت همراه می‌باشد، در دوره قاجار به خصوص بعد از مرگ فتحعلی شاه نیز تکرار شد. در این برهه تاریخی، دوره‌ای از ناامنی و جنگ برای قدرت درگرفت. به طوری که محمدمیرزا به کمک میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام که سمت وزارت وی را داشت به گفته رضاقلی‌خان هدایت در تبریز «جلوس مختصری فرمود» (هدایت، پیشین، ۱۵/ ۸۱۴۵) به حکومت رسید. اما در این هنگام شاهزادگان در تهران و نواحی دیگر ایران هر کدام مدعی سلطنت شدند و در مقر حکومت یعنی تهران، ظل‌السلطان به مدت سه ماه خود را شاه نامید و سکه به نام خود زد. میرزا ابوالحسن‌خان ایلچی وزیر دول خارجه در نزاع‌های جانشینی جانب ظل‌السلطان را گرفت. ایلچی را حتی یکی از عاملان تحریک ظل‌السلطان جهت به دست گرفتن حکومت می‌دانند.(معتمدالدوله، بی تا: ۲۵۰) اما دیری نپایید که محمدمیرزا به کمک وامی که قائم مقام از کمل، وزیر مختار انگلستان دریافت کرده بود به طرف پایتخت روانه شد و فریدون‌میرزا برادرش را به عنوان نایب‌الایاله در آذربایجان گماشت (هدایت، پیشین، ۱۵/ ۸۱۴۵) و خود با شکست مدعیان سلطنت در سال۱۲۵۰ه.ق چند ماه پس از درگذشت فتحعلی‌شاه در تهران بر تخت سلطنت جلوس کرد. در آغاز دورهٔ محمدشاه صدارت عظمی به میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام رسید و چون ابوالحسن‌خان با قائم‌مقام رابطه خوبی نداشت و در زمان نزاع‌های جانشینی جانب یک شورشی را گرفته بود به این سبب از امور اداری عزل و به بقعه شیخ عبدالعظیم پناه برد تا زمانی که میرزا آقاسی برسر کار آمد و به وی تأمین جانی داد در آن مکان باقی ماند.(لسان‌الملک سپهر، پیشین، ۲/ ۴۱)

میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام در کنار صدارت وظایف مربوط به وزارت خارجه را نیز توأمان انجام می‌داد. اختلاط یا درهم‌آمیزی دو سمت در وجود یک شخص آن هم با وظایف خطیر صدارت عظمی نشان از ضعف و محدودیت اختیارات وزارت دول خارجه در این دوره دارد و این برای آخرین بار نیز نبود؛ زیرا در دوره‌های بعد نیز تا اوایل دوره ناصری و به زمان امیرکبیر این اتفاق دوباره تکرار شد. وزارت دول خارجه به دلیل نداشتن تشکیلات منسجم و عدم وابستگی دیگر نهادها به آن از جایگاه متزلزلی در سیستم قاجاری برخوردار بود.

با قتل قائم مقام و صدارت آقاسی وزارت دول خارجی به میرزا مسعود گرمرودی که مردی زبان‌دان بود رسید. در دورهٔ فتحعلی‌شاه نیز از وی به عنوان مترجم فرانسه استفاده می‌شد. او از اهالی آذربایجان و جزء اولین محصلین ایرانی تحصیل کرده در نزد مبلغین فرانسوی بود.(مینوی، شماره ۵، ۱۸۳) در این کار میرزا علی پسر وی نیابت او را داشت. میرزا علی بعد از این‌که پدرش میرزا مسعود مورد تنفر میرزا آقاسی قرار گرفت به وزارت

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.13.3]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.167]

خارجه رسید. وی زبان فرانسه را خوب می‌دانست اما با چرخشی مجدد و دخالت صدراعظم بار دیگر میرزا مسعود به وزارت برگشت و پسرش از این مقام برکنار شد.(فلاندن، ۲۵۳۶: ۱۳۹)

میرزا مسعود زبان فرانسه را در تبریز تحصیل کرد و آن را در حد عالی می‌دانست.(انصاری، پیشین، ۲۴۱؛ لایارد، ۱۳۶۷: ۲۹) در دوره فتحعلی‌شاه تجربه اعزام در هیأت‌های سیاسی به دول خارجه را کسب کرده بود. به طوری‌که میرزا مسعود در سفارت خسرو میرزا پسر عباس میرزا نایب‌السلطنه در جریان عذرخواهی بر سر مسأله قتل گریبایدوف از جمله همراهان این سفارت بود (انصاری، میرزا مسعود، پیشین).

در دورهٔ میرزا مسعود مناسبات خارجی هر چند نسبت به دوره‌های پیش بیشتر گردید اما همچنان وزارت دول خارجه نتوانسته بود جایگاهش را به عنوان تنظیم کننده روابط خارجی پیدا کند. وزارت میرزا مسعود چندان نپایید که دوباره میرزاابوالحسن‌خان ایلچی اولین وزیر خارجه، بر مسند پیشین تکیه زد و تا آخر عمر که سال ۱۲۶۲ه.ق بود بر سرکار ماند. ایلچی با این‌که برای بار دوم بود که زعامت وزارت خارجه را بر عهده می‌گرفت ولی نتوانست نوآوری در وزارت خارجه به وجود بیاورد.

وزیر خارجه امور مربوط به دول خارجی را همچنان تحت نظر صدراعظم انجام می‌داد و وظایفش در حد اموری که پیش‌تر نیز به آن اشاراتی رفت یعنی امضا کردن قراردادها و اموری پیرامون این کارها باقی ماند. البته نباید این را هم از نظر دور داشت که امضاء قرارداد و یا امور دیگری که وزیر خارجه در این دوره بر آن‌ها گمارده شده بود چه بسا صدراعظم و یا مقامات دیگر نیز آن را انجام می‌دادند. با درگذشت میرزا ابوالحسن‌خان ایلچی، گاهی میرزا مسعود گرمرودی و گاهی میرزا باقر ناصرالملک تبریزی عهده‌دار وزارت خارجه بوده‌اند.(شقاقی، پیشین، ۲۶) هر دوی این افراد در کنار میرزا آقاسی امور وزارت خارجه را اداره می‌کردند. به طور کلی در دوره محمد شاه هر چند وزارت خارجه نتوانست اختیارات مربوط به خود را به دست آورد اما سفرایی که در این دوره به صورت موقت و یا دائمی به دول دیگر فرستاده می‌شدند از چنان قابلیتی برخوردار بودند که ضعف دیپلماسی دستگاه قاجاری را مخفی می‌نمود. کسانی همچون میرزا جعفرخان مشیرالدوله که مدتی سفیر کبیر ایران و مقیم اسلامبول بود (لسان‌الملک سپهر، پیشین، ۱/ ۷۴؛ هدایت، پیشین، ۱۵/ ۸۲۹۱). او در طول سفارتش با آگاهی و درایت خود مسائل بین ایران و عثمانی را کاملاً تحت نظر داشته و بر آن‌ها نظارت می‌کرد. مشیرالدوله صاحب رساله‌ای است با نام رساله «سرحدیه» و چنان‌که از نامش پیداست به مسئله مهم سرحدات و مسائل مرزی مربوط می‌شود. وی در این رساله به مشکلات سرحدی بین ایران و عثمانی به طور مفصل پرداخته است که نشان از قابلیت و مهارت وی در شغل وزارت خارجه است (رجوع کنید به: مهندس‌باشی مشیرالدوله، بی‌تا). شخص دیگری که در این دوره به سفارت فرستاده شد، میرزا تقی‌خان امیر نظام بود. او در این سفر لقب «سرتیپی» نیز گرفت.(اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹: ۲۰۲) میرزا تقی‌خان در معاهده مهم ارزنه‌الروم که به مدت چهار سال طول کشید نقش حیاتی برای سیاست ایران ایفا نمود.

با گسترش روابط ایران با اروپا از دوره فتحعلی‌شاه به بعد تعداد ارسال سفرا به غرب در دوره‌های بعدی نیز گسترش یافت. در دورهٔ محمدشاه سفرایی به روسیه، انگلیس، فرانسه فرستاده شد. ارتباط با دول خارجی روال عادی پیدا کرده بود، به طوری که مانند دوره‌های پیشین قابلیت گسست آن در تصور نمی‌گنجید. وزارت خارجه از آغاز تا پایان دورهٔ محمد شاه نتوانست به مثابهٔ یک سازمان که دارای تشکیلات منسجم باشد ظاهر

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.13.3]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.167]

گردد، شاه، صدراعظم، شاهزاده‌ها و دیگر ذی‌نفوذان، ارکان دیپلماسی این دوره را با مسئولیت اسمی وزیر دول خارجه تشکیل می‌داده‌اند. وزیر خارجه، نایب وی چند منشی و مترجم از جمله تشکیلات وزارت خارجه در این دورانند.

نتیجه‌گیری

با توجه بررسی‌های انجام شده بر روی منابع تاریخی مکتوب دوره قاجار در فاصله سال‌های ۱۲۰۰ تا ۱۲۲۶ شمسی را به‌واسطه تحولات ژئوپلیتیک در منطقه و محیط بین‌الملل را می‌توان آغازگر مناسبات رسمی خارجی در تاریخ سیاسی ایران قلمداد کرد. این دوره که به‌دنبال تحولات ژئوپلیتیک پس از فروپاشی قدرت صفوی و دوران گذار دو سلسله افشاریه و زندیه بر صحنه تاریخ ایران پدیدار گردید، آبستن تحولات شگرفی در روابط و مناسبات سیاسی ایران با دول خارجی است. چیرگی دو قدرت روس و انگلیس در شمال و جنوب و ورود فرانسه به رهبری ناپلئون بناپارت بر حساسیت ژئوپلیتیک این دوران در منطقه و جهان افزود. ایران در گیرودار حوادث یادشده جهت ارتباط با دول قدرتمند وزارتخانه‌ای تشکیل داد که مسئولیت رسیدگی به امور خارجی را بر عهده داشت. به واقع وزارتخانه جدید که موسوم به وزارت دول خارجه بود در وجود وزیر خارجه و اطرافیان اندک وی متجلی می‌گشت. این امر - یعنی نداشتن تشکیلات مدون- باعث به وجود نیامدن بسیاری از اجزاء وزارت خارجه گردید. افزایش روز افزون مناسبات سیاسی بعد از فتحعلی شاه و پس از آن محمد شاه جایگاه وزارت خارجه را به ثباتی نسبی رساند اما موجد دوایر و ادارات منظمی برای وزارت خارجه نگشت. وزیر خارجه که در این برهۀ تاریخی تجلی وزارت دول خارجه است تنها در امور سطحی وظایف خود وارد شده است و به‌واسطه نفوذ دیگر ارکان قدرت در تصمیم‌گیری‌های کلان خارجی عملاً نقش وزیر خارجه در حد یک نقش تشریفاتی با اختیارات اندک تقلیل می‌یابد و این روند کمابیش تا دوره ناصری ادامه دارد؛ از آن زمان است که وزارت خارجه ایران با درک بیشتری از شرایط ژئوپلیتیک منطقه و جهان شکل نهاد به خود می‌گیرد و در مناسبات خارجی نقش مهمی ایفا می‌کند.

منابع

آجدانی، لطف الله، **روشنفکران ایرانی در عصر مشروطیت**، تهران، نشر اختران، ۱۳۸۶.

آدمیت، فریدون، **آشفتگی فکر تاریخی**، بی جا، بی نا، ۱۳۶۰.

امیرکبیر و ایران، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۵.

اصیل، حجت الله، **رساله‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله کرمانی**، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.

اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، **صدرالتواریخ**، به اهتمام محمد مشیری، تهران، انتشارات وحید، ۱۳۴۹.

تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۷۶.

افشار یزدی، محمود، **سیاست اروپا در ایران اوراقی چند از تاریخ سیاسی و دیپلماسی**، ترجمه سید ضیاءالدین دهشیری، تهران، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۵۸.

امینی، ایرج، **ناپلئون و ایران**، ترجمه اردشیر لطفعلیان، تهران، نشر فرزان روز، ۱۳۹۰.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.13.3]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.167]

انصاری، میرزا مسعود، **سفرنامه خسرو میرزا به پطرز بورغ و تاریخ زندگی عباس میرزا نایب السلطنه**، به تصحیح فرهاد **میرزا معتمدالدوله**، به کوشش محمد گلبن، تهران، کتابخانه مستوفی، ۱۳۴۹.

بیانی، خانبابا، **پنجاه سال دربار ناصری**، تهران، علم، ۱۳۷۵.

بینا، علی اکبر، **تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۳.

خاوری شیرازی، میر فضل الله، **تاریخ ذوالقرنین**، تصیص و تحقیق ناصر افشارفر، تهران، سازمان چاپ انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

خلیل الله مقدم، احمد، **تاریخ روابط سیاه ایران و انگلیس**، تهران، علمی، ۱۳۹۰.

خورموجی، محمد جعفر، **حقایق الاخبار ناصری**، به کوشش حسین خدیوجم، تهران، نشر نی، ۱۳۶۳.

دنبلی، عبدالرزاق، **مآثر السلطانیه**، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری نژاد، تهران، موسسه انتشاراتی روزنامه ایران، ۱۳۸۳.

دوما، ژ. ب، **یادداشت‌های ژنرال ترەزل در سفر به ایران**، ترجمه عباس اقبال، تهران، انتشارات یساولی(فرهنگسرا)، ۱۳۶۱.

رایت، دنیس، **انگلیسیان در ایران**، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، نشر اختران، ۱۳۸۳.

ریاضی هروی، محمد یوسف، **عین الوقایع**، به کوشش محمد آصف فکرت، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.

ساروی، محمد فتح الله بن محمد تقی، **تاریخ محمدی (احسن التواریخ)**، به اهتمام غلامرضا مجد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.

فلاندن، اوژن، **سفرنامه به ایران**، ترجمه حسین نورصادقی، تهران، انتشارات اشراقی، ۲۵۳۶.

کاتوزیان، محمد علی همایون، **اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی**، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲.

لایارد، سراوتسن هنری، **سفرنامه لایارد یا ماجرای اولیه در ایران**، ترجمه مهراب امیری، تهران، انتشارات وحید، ۱۳۶۷.

لسان الملک سپهر، میرزا محمد تقی، **ناسخ التواریخ**، باهتمام و تصحیح جهانگیر قائم مقامی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۷.

مالکوم، سرجان، **تاریخ ایران**، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، به کوشش مرتضی سیفی فمی تفرشی و ابراهیم زندپور، تهران، انتشارات یساولی (فرهنگسر)، ۱۳۶۲.

معزی، حسام، **تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا**، تهران، بی نا، ۱۳۳۶.

ممتحن الدوله شقاقی، میرزا مهدی خان، **رجال وزارت خارجه**، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۶۵.

ناظم، حسین، **روس و انگلیس در ایران**، ترجمه فرامرز محمدپور، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.

هدایت، رضاقلی خان، **تاریخ روضه الصفای ناصری**، تصحیح و تحشیه جمشید کیان فر، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.13.3]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.167]

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، **تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی(۱۵۰۰- ۱۹۴۵)**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹.

تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۲.

واتسن، گرانت، **تاریخ ایران از ابتدای قرن نوزدهم تا سال ۱۸۵۸**، ترجمه ع. وحید مازندرانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۸.

تشکیلات وزارت خارجه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، نسخه خطی شماره ۱۲۰۸۴.

روزنامه شرف، شماره های ۱- ۸۷، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی، بی تا، نمره ۶.

روزنامه وقایع اتفاقیه، ج۱، کتابخانه ملی ایران و مرکز مطالعات تحقیقات رسانه ها، شامره های ۱- ۱۳۰، ۱۳۷۳، نمره ۵۶.

صورت عهدنامه‌ها و قراردادها، تهران، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی شماره ۱۵۶۹.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، **تشکیل اداره رسیدگی و تحقیقات**، ۱۳- ۱۳۰۱ق، تهران، کارتن ۳- ۱۸- ۲۷، برگ ۸- ۱۰.

معتمدالدوله، فرهادمیرزا، **جام جم**، تالار نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، چاپ سنگی، شماره راهنما A/95، بی تا، بی جا، بی نا.

ممتحن الدوله شقاقی، میرزا مهدی خان ممتحن الدوله، **مآثر مهدیه**، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی ش ۷۸۰.

توکلی، احمد، «**تاریخچه وزارت امور خارجه و اولین اساسنامه آن**»، ج۱، نشریه وزارت امور خارجه، ش ۲، ۱۳۲۸.

خسروی زاده، صباح و محمدعلی کمالی، «**زمینه‌های شکل‌گیری وزارت خارجه در دوره قاجار**»، فصلنامه پژوهش های علوم انسانی، اصفهان، س۴، ش ۱۹، ۱۳۹۲.

و هادی قیصریان فرد، «**تشکیلات وزارت خارجه ایران در دوره ناصری**»، مطالعات تاریخ فرهنگی، س ۵، ش ۱۷، پاییز ۱۳۹۲، ص ۴۱- ۶۲.

راستینه، علی اصغر، «**ناآگاهی دولتمردان عصر فتحعلی شاه قاجار از تحولات بین الملل**»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، سال هشتم، شماره ۳۱، ۱۳۸۶.

سعادت نوری، حسین، «**میرزا سعید خان موتمن الملک ۱۳۰۱- ۱۳۲۳ق**»، نشریه وزارت امور خارجه، ش۲، دوره ۳، ۱۳۴۴.

صفی نیا، رضا، «**تاریخچه تشکیل وزارت امور خارجه ایران**»، تهران، سالنامه کشور ایران، سال چهارم، ۱۳۲۸.

فلور، ویلم، «**تاریخچه وزارت امور خارجه، ترجمه جواد کریمی**»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ش ۲۴- ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.

مینوی، مجتبی، «**اولین کاروان معرفت**»، مجله یغما، سال ششم، شماره ۵.

George, A Short History of the Middle East from The Rise of Islam to Modern Times, Washington, Public Affairs Press, 1949.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.13.3]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.167]